

بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی در پیکره متنی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی

در رشته‌های مختلف تحصیلی

Analysis of Conceptual Metaphors in Senior Students' Text Corpus with Different Majors

Zahra Abbasi⁻

Maryam Daneshgar⁻

Amir Cheraghian⁻

زهرا عباسی⁻

مریم دانشگر⁻

امیر چراغیان⁻

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴

Abstract

In order to analyze conceptual metaphors in senior students texts, the research examined Academy of Persian Language and Literature corpus which was collected during taking a national achievement test called "AMZA". Conceptual metaphors were analyzed in 272 texts from three different majors- science, humanities, and mathematics- based on Afrashi and Hesami's (1392) proposed classification. Findings show that conceptual metaphors are used by girls more than boys and the difference is statistically meaningful. There wasn't any statistical difference among students' conceptual metaphor usage in error level of five percent and students of different majors used conceptual metaphors equally. Among different types of metaphors, objective- to-subjective, objective-to- objective, and orientational metaphors have the most frequency in use. Structure-based and container-based metaphors have the most frequency of use among different types of objective- to- objective metaphors and its difference with other types is statistically significant. Examining origin and purpose fields in conceptual metaphors shows that concepts "human, place, container, object, and up" have the most frequency respectively in origin fields and "sky, life, time, future, and God" have the most frequency in purpose fields. These fields in students' writings are based on Kovecses's classification (2010) and indeed more various.

Keywords: Conceptual metaphors, Text corpus, Objective-to-objective metaphors, Animate-based metaphor, Objective-to-subjective metaphor, Image metaphor, Object-based metaphor.

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل استعاره‌های مفهومی در نوشتار دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی به بررسی پیکره زبانی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی پرداخته است. این پیکره در طی آزمون پیشرفت تحصیلی کشوری به نام آزمون «امزا» گردآوری شده است. استعاره‌های مفهومی در ۲۷۲ متن از دانش‌آموزان سه رشته علوم تجربی، انسانی و ریاضی براساس طبقه‌بندی پیشنهادی افراشی و حسامی (۱۳۹۲) استخراج و تحلیل شده است. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که استفاده از استعاره‌های مفهومی در دختران بیشتر از پسران بوده است و این اختلاف از لحاظ آماری، معنی‌دار است. بین فراوانی استفاده از کل استعاره‌های مفهومی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی، در سطح خطای ۵ درصد، تفاوت آماری یافت نشد و دانش‌آموزان رشته‌های مختلف به یک میزان در نوشتار خود، استعاره‌های مفهومی به‌کار بردند. در بین انواع استعاره، بسامد کاربرد استعاره عینی به ذهنی، عینی به عینی و جهتی به ترتیب بیشتر از سایر انواع استعاره‌ها بوده است و در بین انواع استعاره‌های عینی به ذهنی نیز بسامد کاربرد استعاره ظرف‌بنیاد و ساختاربنیاد، بیشتر از سایرین بوده است و اختلاف آن از لحاظ آماری با سایرین، معنی‌دار است. بررسی حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد که مفاهیم «انسان، مکان، ظرف، جسم و شیء» به ترتیب پر بسامدترین حوزه‌های مفهومی مبدأ و «آسمان، زندگی، زمان، آینده و خدا» پر بسامدترین حوزه‌های مفهومی مقصد در داده‌های پژوهش هستند و این حوزه‌های مبدأ و مقصد در نوشتار دانش‌آموزان، منطبق با دسته‌بندی کووچس (۲۰۱۰) و البته متنوع‌تر از آن است.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، پیکره متنی، استعاره عینی به عینی، استعاره جانداربنیاد، استعاره عینی به ذهنی، استعاره تصویری، استعاره شیء‌بنیاد.

- Assistant Professor of Persian Language, Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author); abasiz@modares.ac.ir

- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Academy of Persian Language and Literature, Iran; daneshgar@alumni.ut.ac.ir

- Student of Persian Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; amir1369cheraghyan@gmail.com

- استادیار آموزش زبان فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

abasiz@modares.ac.ir

- استادیار زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب

فارسی، تهران، ایران؛ daneshgar@alumni.ut.ac.ir

- دانشجوی ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

amir1369cheraghyan@gmail.com

مقدمه

فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ آزمونی با نام امزا برگزار کرد و طی آن به ارزیابی و سنجش مهارت‌های زبانی شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دوره متوسطه و برپایه مواد درسی زبان و ادبیات فارسی در سه رشته انسانی، ریاضی و تجربی پرداخت. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دوره متوسطه (پایان دوره پیش‌دانشگاهی) مدارس دولتی و غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ که معادل ۴۹۵۴۰ تن و نمونه آماری معادل ۳۶۶ تن بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای از شهر تهران (مناطق یک، چهار، هفت، دوازده، چهارده، شانزده و نوزده) برمبنای درس‌های زبان فارسی ۳ و ادبیات فارسی ۳، در رشته‌های انسانی، تجربی و ریاضی صورت گرفت (دانشگر، ۱۳۹۶: ۲۳۳). مجریان این طرح کلان ملی که در سال تحصیلی ۱۳۹۸ نیز اجرا شد، درباره ضرورت پژوهش در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی نوشته‌اند: «مطالعه حاضر که بر مبنای رویکرد عمقی یادگیری و تبدیل دانش به مهارت شکل گرفته است، بر این باور است که مسئله اصلی نظام ارزشیابی رسمی، نارسایی سازوکار فرایند سنجش و فقدان اطلاعات کافی و دقیق از توانایی‌های کاربران زبان است» (همان، ۲۳۳). در این پژوهش دو متغیر جنسیت و رشته تحصیلی لحاظ شده است و محققان فرهنگستان به این نتیجه رسیدند که: «مقایسه نتایج دخترها و پسرها نشان می‌دهد در تمام مهارت‌ها، دخترها به نتایج بهتری دست یافتند. این برتری در دو میانگین مهارت نوشتن و سخن گفتن بارزتر است» (همان، ۲۴۵). در تأثیر متغیر رشته

تحصیلی بر نتایج تحقیق نیز نوشتند: «برحسب یافته‌ها، بهترین نتایج در مهارت سخن گفتن به گروه علوم انسانی، در مهارت شنیدن به گروه علوم ریاضی و در مهارت‌های نوشتن و خواندن به علوم تجربی تعلق دارد» (همان، ۲۴۷).

نتیجه این تحقیق فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به شکل‌گیری پیکره‌ای زبانی^۱ منتهی شد. این پیکره زبانی، مهارت‌های چهارگانه زبانی را پوشش می‌دهد که در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی با ابزارهای نظری متفاوت، قابل سنجش و نتیجه‌گیری است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل آماری، توصیف و طبقه‌بندی استعاره‌های مفهومی^۲ است که توسط دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهر تهران ۹۲-۹۳ براساس پیکره متنی^۳ فراهم آمد و از سوی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به تفکیک جنسیت، رشته تحصیلی و براساس نظریه استعاره مفهومی منظم شد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌هاست:

- ۱- استعاره‌های مفهومی در نوشتار دختران بیشتر به‌کار رفته است یا در نوشتار پسران؟
 - ۲- دانش‌آموزان کدام رشته تحصیلی، استعاره‌های مفهومی بیشتری در متن‌های خود به‌کار بردند؟
 - ۳- کدام نوع از استعاره‌ها در نوشتار دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی، بیشتر به‌کار رفته است؟
- برای پاسخ به این پرسش‌ها، سه فرضیه مطرح می‌شود:

- ۱- دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کنند.
- ۲- دانش‌آموزان رشته علوم انسانی بیشتر از سایر دانش‌آموزان از استعاره‌های مفهومی در نوشتار

1. Linguistic corpus
2. Conceptual Metaphor
3. Text Corpus

خود استفاده می‌کنند.

۳- بسامد کاربرد استعاره‌های عینی به ذهنی و جهتی، بیشتر از سایر انواع استعاره‌ها است. هدف دیگر این مقاله، بررسی استعاره‌ها و همچنین حوزه‌مبدأ و مقصد در استعاره‌ها براساس دسته‌بندی کووچش (۲۰۱۰) است. این مقاله در ۵ بخش تنظیم شده است که پس از مقدمه، مبانی نظری، پیشینه تحقیق، روش‌شناسی تحقیق و تحلیل داده‌ها ذکر می‌شود و در انتها به نتیجه‌گیری پرداخته شده است. در اینجا لازم است از فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای در اختیار گذاشتن این پیکره، تشکر کنیم.

مبانی نظری

مبحث استعاره‌های مفهومی، حوزه‌ای تحقیقی در زبان‌شناسی شناختی است که برای نخستین بار از سوی جرج لیکاف و مارک جانسون در کتاب *استعاره‌هایی که باور داریم* (۱۹۸۰م) معرفی شد. آنها برای نخستین بار ابراز داشتند که استعاره، تنها ابزاری بلاغی و ادبی نیست و حتی خاستگاه استعاره، زبان نیست؛ بلکه اندیشه انسان خاستگاه آن است. مقاله «نظریه استعاره معاصر» تألیف لیکاف (۱۹۹۳ م) به تشریح فرضیه‌های بنیادی درباره استعاره در بلاغت سنتی می‌پردازد. وی در این اثر مدعی است که سازوکار استعاره کلامی یا ادبی از سازوکار استعاره‌های روزمره پیروی می‌کند؛ البته قبل از آثار لیکاف و جانسون، مایکل ردی (۱۹۷۹ م)، مقاله‌ای تحت عنوان «استعاره مجرا» به رشته تحریر در آورد و برای نخستین بار نشان داد در زبان انگلیسی برای ایجاد ارتباط، از استعاره و عبارات استعاری کمک گرفته می‌شود. ردی در این باره می‌نویسد: «زبان انباری از عبارات استعاری دارد و پراکنده نیستند؛

در نتیجه نمی‌توان آنها را نادیده گرفت». براساس نظریه استعاره مفهومی، درک حوزه‌ای مفهومی برپایه درک حوزه مفهومی دیگر صورت می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، درک حوزه‌ای مفهومی ناآشنا (تر) و انتزاعی (تر) برپایه درک حوزه مفهومی آشنا (تر) و ملموس (تر) صورت می‌گیرد (عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۴). در واقع استعاره مفهومی، ساختار یا نام‌نگاشتی ذهنی دارد؛ اما هنگامی که این استعاره ذهنی در زبان تجلی پیدا کند و یا به بیانی دیگر کاربرد زبانی بیابد، استعاره زبانی نامیده می‌شود. کووچش در این باره می‌نویسد: «در زبان‌شناسی شناختی، استعاره به صورت فهم حوزه‌ای مفهومی و برحسب حوزه مفهومی دیگر تعریف می‌شود ... استعاره مفهومی از دو حوزه تشکیل شده است که در آن حوزه‌ای بر حسب دیگری، فهمیده می‌شود. حوزه مفهومی، سازمانی منسجم از تجربه است» (۲۰۱۰: ۲۰-۲۱). در روند شکل‌گیری استعاره مفهومی، حوزه مفهومی مبدأ دربردارنده مفهوم یا مفاهیم آشنا و ملموس (تر) است و عناصر موجود در حوزه مفهومی هدف که ناآشناتر/انتزاعی (تر) است، با عناصر موجود در آن، مقایسه یا تشبیه می‌شوند (عبدالکریمی: ۸۰) و حوزه مفهومی هدف که دربردارنده مفهوم یا مفاهیم ناآشناتر و انتزاعی (تر) است، با حوزه مفهومی دیگری که دربردارنده مفهوم یا مفاهیم آشنا و ملموس (تر) است، مقایسه می‌شود و عناصر موجود در آن و روابط میان آن عناصر، به عناصر موجود در حوزه مفهومی آشناتر و ملموس (تر) شبیه می‌شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۸۲). نتیجه‌ای که کووچش (۲۰۱۰) با توجه به مطالعات زبان انگلیسی که از بحث مفاهیم مبدأ و مقصد ارائه می‌دهد، به تک جهتی بودن استعاره مفهومی اشاره دارد. منظور از

ن) ظرف‌بنیاد^۶: همه نگرانی‌ها را از سرم بیرون ریختن.
 ۲. استعاره‌های ذهنی به ذهنی^۷: در این نوع استعاره مفهومی از ویژگی‌های حوزه مفهومی ذهنی که برای ما آشنا تر است، به‌عنوان حوزه مبدأ استفاده می‌کنیم تا حوزه مفهومی مجردتر را بشناسیم، مانند: «افکار نیچه مد نیستند».

۳. استعاره‌های عینی به عینی^۸: در این نوع از استعاره‌های مفهومی از ویژگی‌های حوزه مفهومی عینی به‌عنوان حوزه مبدأ استفاده می‌کنیم تا دیگر حوزه مفهومی عینی را بشناسیم، مانند: «پدر بزرگ و مادر بزرگم مثل دو درخت کهنسال در سایه هم زندگی می‌کنند».

۴. استعاره‌های جهت^۹: این نوع استعاره‌ها، با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی مانند بالا پائین، درون بیرون، جلو عقب، عمق سطح و مرکز حاشیه‌اند، در ارتباط است. باید توجه داشت که اگرچه این استعاره‌ها انتخاب ما نیستند و ناشی از تجارب فیزیکی ما هستند، بسته به فرهنگ‌های مختلف می‌توانند تغییر کنند (ارتیث دیات گرار ۲۰۰۹: ۵۹ به نقل از افراشی، ۹۲)، مانند: «روحیه‌اش خیلی بالا بود».

۵. استعاره‌های تصویری^{۱۰}: لیکاف و ترنر (۱۹۸۹: ۸۹-۹۶) این طبقه از استعاره‌های مفهومی را معرفی کردند که پدیده‌ای را بر پدیده‌ای دیگر براساس ویژگی‌های ادراکی مشترکشان آشکار می‌کنند. بنابر نظر کووچش (۲۰۱۰: ۵۷) زبان شعر مملو از استعاره‌های مفهومی است که براساس تصویر ساخته می‌شود؛ اما مبنایی طرحواره‌ای ندارند (افراشی ۱۳۹۲: ۱۴۷)؛ مانند: «ایران یک گربه است».

«تک جهتی بودن»، عدم امکان جابجایی حوزه مقصد (هدف) و حوزه مبدأ است.

صنوی (۱۳۹۶)، مهم‌ترین گونه‌های استعاره مفهومی را استعاره‌های مفهومی جهت، ساختی، هستی شناختی، و استعاره‌های مفهومی تصویری می‌داند. افراشی و حسامی (۱۳۹۲)، تقسیم‌بندی دیگری پیشنهاد می‌کنند که اساس تقسیم‌بندی این پژوهش است. این پژوهشگران به دلیل نقدهایی که بر تقسیم‌بندی مرسوم از انواع استعاره‌های مفهومی ارائه دادند، به ارائه تقسیم‌بندی جدیدی از استعاره‌های مفهومی پرداختند. آنها نخستین بار تقسیم‌بندی خود را با تکیه بر پیکره‌ای از زبان‌های فارسی و اسپانیایی، آزمایش کردند. آنها طبقه استعاره‌های جهت و تصویری را تغییر نمی‌دهند؛ اما به جای طبقات «هستی شناختی» و «ساختی»، سه طبقه استعاره عینی به ذهنی، ذهنی به ذهنی و عینی به عینی را پیشنهاد دادند و علت این تقسیم‌بندی جدید را تداخل استعاره‌های ساختی و هستی شناختی عنوان کردند.

۱. استعاره‌های عینی به ذهنی^۱: در این نوع استعاره مفهومی، از خصوصیات حوزه‌ای مفهومی ملموس و عینی به‌عنوان حوزه مفهومی مبدأ استفاده می‌کنیم تا بتوانیم حوزه‌ای مفهومی انتزاعی را بشناسیم. این نوع استعاره، براساس خصوصیات حوزه مفهومی مبدأ، به پنج دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شود:

الف) ساختاربنیاد^۲: افکار او برای من قابل هضم نیست.

ب) جانداربنیاد^۳: این فکر به من تلنگر زد.

پ) حس‌بنیاد^۴: می‌بینی چی می‌گم؟

ت) شیء‌بنیاد^۵: حرفهایش تا مغز استخوانم فرو رفت.

6. Container-based
 7. Subjective to Subjective
 8. Objective to objective
 9. Orientational metaphors
 10. Image metaphor

1. Objective to subjective
 2. Structure-based
 3. Animate-based
 4. Sense-based
 5. Object-based

پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش‌های بسیاری در این حوزه نگاشته شده است. در یکی از شناخته‌شده‌ترین پژوهش‌ها، نینگ یو^۱ ۱۹۹۵ م در مقاله‌ای با نام «اصطلاحات استعاری خشم و شادی در زبانهای چینی و انگلیسی» در حوزه خشم و شادی به تحلیل استعاره‌های مفهومی در زبان انگلیسی و چینی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که در هر دو زبان برای مفهوم‌سازی شادی، از حوزه‌های مبدأ «جهت بالا» و «نور» و «ظرف» استفاده می‌شود. هرچند تفاوت‌های اندک و قابل توجهی میان این دو زبان در مفهوم‌سازی مفاهیم مورد تحقیق وجود دارد؛ اما از آنجایی که خشم و شادی از احساسات بنیادی بشر است، سازوکاری مشترک بر همه اذهان بشری حاکم است و این اشتراک در مفهوم‌سازی‌های انسان می‌تواند توسط زبان‌شناسی شناختی نمایش داده شود. کووچش (۲۰۱۰ م) به معرفی استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، فضاهاى ذهنی، تصویرهای استعاری و مفاهیم اصلی این حوزه زبان‌شناسی می‌پردازد. او همچنین از ارتباط این حوزه با حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی نیز سخن گفته است. آثار ایرانیان در خصوص استعاره مفهومی را می‌توان به دو طبقه نظری و عملی دسته‌بندی کرد. از آثار نظری فارسی می‌توان به آثاری از جمله نیلی‌پور (۱۳۹۴)، عبدالکریمی (۱۳۹۴)، راسخ‌مهند (۱۳۹۶)، روشن و اردبیلی (۱۳۹۵)، صفوی (۱۳۹۶)، افراشی (۱۳۹۷) و داوری اردکانی و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد که چهار مورد اول به زبان‌شناسی شناختی اختصاص دارد و در بخشی از آن به استعاره مفهومی پرداخته شده است؛ در حالی که سه اثر اخیر، تنها به موضوع استعاره

مفهومی پرداخته است. منظور از آثار عملی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی است که درخصوص زبان فارسی یا زبانی دیگر به رشته تحریر درآمده است که تنها به ذکر نام پژوهشگران بسنده می‌کنیم؛ گلغام و همکاران (۱۳۸۸)، شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹)، عرب یوسف‌آبادی و فرضی شوب (۱۳۹۰)، راسخ‌مهند و شمس‌الدینی (۱۳۹۱)، راسخ‌مهند و سهرابی (۱۳۹۱)، کریمی و علامی (۱۳۹۲)، قادری نجف‌آبادی و توانگر (۱۳۹۲)، مازه پوا (۱۳۹۲)، زورور و همکاران (۱۳۹۲)، گرجی و صارمی (۱۳۹۲)، زرقانی و همکاران (۱۳۹۲)، رضویان و خانزاده (۱۳۹۳)، افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۳)، مؤزنی و خنجری (۱۳۹۳)، افراشی و همکاران (۱۳۹۴)، مهرابی و ذاکر (۱۳۹۵)، حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۵)، بارانی و همکاران (۱۳۹۵)، استوار نامقی (۱۳۹۵)، توفیقی و شکیبیا (۱۳۹۵)، خراسانی و غلامحسین‌زاده (۱۳۹۷)، صباحی گراغانی و همکاران (۱۳۹۵)، حجازی (۱۳۹۵). این آثار، استعاره مفهومی را از منظرهای مختلف در متون فارسی مورد بررسی قرار داده است. افراشی و حسامی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی»، به طبقه‌بندی نوینی از استعاره‌های مفهومی پرداخته است؛ که این طبقه‌بندی در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین می‌توان به پایان‌نامه‌های مختلف صورت‌گرفته در این حوزه اشاره کرد؛ از جمله جدیدترین آنها: خیری کنگان (۱۳۹۰)، عسکرنیا (۱۳۹۱)، عابدی (۱۳۹۱)، نجار فیروزجایی (۱۳۹۲)، باباسالاری (۱۳۹۴) و قلندرزی (۱۳۹۶). قلندرزی در پایان‌نامه خود

دختر و ۱۲۰ مورد را دانش‌آموزان پسر نوشتند. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که ۵۹/۹ درصد شرکت‌کنندگان دختر و ۴۴/۱ درصد پسر بودند:

داده‌ها

از مجموع ۳۰۰ نوشتار پیشنهادی، ۲۷۲ مورد قابل بررسی بود. مجموع استعاره‌های استخراج شده از این ۲۷۲ نوشتار، تعداد ۱۱۹۹ استعاره بود. اساس تقسیم‌بندی استعاره‌های مفهومی در این پژوهش، تقسیم‌بندی افراشی و حسامی (۱۳۹۲) بوده است. کاربرد انواع استعاره در نوشتار دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، در جدول (۲) نشان داده شده است که فراوانی استفاده از استعاره تصویری در دختران ۹ بار (۱/۱۹ درصد از انواع استعاره استفاده‌شده در بین دختران) و برای پسران ۴ بار (۰/۹ درصد از کل استعاره استفاده‌شده در بین پسران) است. در ادامه با استفاده از آزمون همگونی کای اسکوتر، به بررسی نسبت تعداد موارد استفاده از استعاره تصویری در بین دختران و پسران پرداخته خواهد شد. از آنجاکه طبق جدول (۱)، درصد دختران و پسران شرکت‌کننده در تحقیق یکسان نیست (۵۹/۹ درصد دختر و ۴۴/۱ درصد پسر)، بنابراین به بررسی درستی این نسبت در تعداد کل موارد استفاده از استعاره تصویری خواهیم پرداخت. آنچه در جدول زیر نشان داده می‌شود، گویای میزان کاربرد بیشتر این نوع استعاره توسط دختران است.

به بررسی استعاره‌های مفهومی در کتاب‌های عربی دوره متوسطه سال تحصیلی ۹۵-۹۶ با استفاده از دو مفهوم استعاره‌های طرح‌واره‌بنیاد و استعاره‌های دانش‌بنیاد^۱ پرداخته است.

روش‌شناسی تحقیق و تحلیل داده‌ها روش، جامعه و نمونه آماری

روش پژوهش این تحقیق، توصیفی تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها، بخش آماری و میدانی این تحقیق، توسط فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دوره متوسطه (پایان دوره پیش‌دانشگاهی) مدارس دولتی و غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ برابر ۴۹۵۴۰ تن با نمونه آماری معادل ۳۶۶ تن است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای در شهر تهران (مناطق یک، چهار، هفت، دوازده، چهارده، شانزده و نوزده) برمبنای درس‌های زبان فارسی ۳ و ادبیات فارسی ۳ در رشته‌های انسانی، تجربی و ریاضی صورت گرفت (دانشگر، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان

با توجه به تعداد نوشتارهای مخدوش، در نهایت دانش‌آموزانی که در آزمون امزا شرکت کردند، با در نظر گرفتن جنسیت آن‌ها، در جدول (۱) نمایش داده شده است. از مجموع ۲۷۲ نوشتار سالم و قابل بررسی، تعداد ۱۵۲ نوشتار را دانش‌آموزان

جدول ۱. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۱۵۲	۵۵/۹
پسر	۱۲۰	۴۴/۱
کل	۲۷۲	۱۰۰

جدول ۲. فراوانی استفاده از انواع استعاره در نوشتار دانش‌آموزان دختر و پسر

نوع استعاره		تعداد موارد استفاده از استعاره	درصد موارد استفاده از استعاره	
دختران	تصویری	۹	۱/۱۹	
	ذهنی به ذهنی	۳	۰/۴۰	
	جهتی	۴۸	۶/۳۷	
	عینی به عینی	۳۱۶	۴۱/۹۱	
	عینی به ذهنی	ساختاربنیاد	۸۹	۱۱/۸۰
		جانداربنیاد	۷۱	۹/۴۲
		شی‌بنیاد	۵۳	۷/۰۳
		ظرف‌بنیاد	۱۴۹	۱۹/۷۶
	حس‌بنیاد	۱۶	۲/۱۲	
	مجموع عینی به ذهنی	۳۷۸	۵۰/۱۳	
کل	۷۵۴	۱۰۰		
پسران	تصویری	۴	۰/۹	
	ذهنی به ذهنی	۲	۰/۴۵	
	جهتی	۴۰	۸/۹۹	
	عینی به عینی	۱۸۱	۴۲/۲۵	
	عینی به ذهنی	ساختاربنیاد	۴۹	۱۱/۰۱
		جانداربنیاد	۲۱	۴/۷۲
		شی‌بنیاد	۳۲	۷/۱۹
		ظرف‌بنیاد	۱۰۱	۲۲/۷
	حس‌بنیاد	۸	۱/۸	
	مجموع عینی به ذهنی	۲۰۰	۴۷/۴۲	
کل	۴۴۵	۱۱۰۰		

بررسی فرضیه‌های پژوهش

در این بخش با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل آماری داده‌ها، به سنجش فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم.

فرضیه ۱- دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کنند.

فراوانی مشاهده شده در جدول (۳)، تعداد موارد استفاده از کل استعاره‌های مفهومی (۱۱۹۹ بار) به تفکیک جنسیت (۷۵۴ بار برای دختران و ۴۴۵ بار برای مذکر) را نشان می‌دهد. فراوانی مورد انتظار

برای هر جنس نیز از حاصل ضرب درصد شرکت‌کنندگان در هر جنسیت (۵۹/۹ درصد دختر و ۴۴/۱ درصد پسر) در تعداد کل موارد استفاده از استعاره‌های مفهومی (۱۱۹۹ مورد) محاسبه شده است. مقایسه فراوانی مشاهده شده و آنچه مورد انتظار بود گویای اختلاف زیادی است که بین این دو وجود داشت و بنابراین انتظار داریم که فرض همگونی استفاده از استعاره در جنسیت، مورد تأیید قرار نگیرد.

جدول ۳. فراوانی انواع استعاره مفهومی بر حسب جنسیت

نوع استعاره	جنسیت	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	مانده تفاوت
کل استعاره‌های مفهومی	مونث	۷۵۴	۶۷۰/۲	۸۳/۸
	مذکر	۴۴۵	۵۲۸/۸	-۸۳/۸
	کل	۱۱۹۹	-----	-----

نتیجه، فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کنند، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲- دانش‌آموزان رشته علوم انسانی بیشتر از سایر رشته‌ها، از استعاره‌های مفهومی در نوشتار خود استفاده می‌کنند.

جدول (۵) فراوانی استفاده از کل استعاره‌های مفهومی را (۱۱۹۹ بار) به تفکیک رشته تحصیلی (۳۲۷ بار برای رشته انسانی، ۴۹۹ بار رشته ریاضی و ۳۷۳ بار برای تجربی) نشان می‌دهد. فراوانی مورد انتظار برای هر رشته نیز از حاصل ضرب درصد شرکت‌کنندگان در هر رشته (۲۸/۳ درصد انسانی، ۴۲/۳ درصد ریاضی و ۲۹/۴ درصد تجربی) در تعداد کل موارد استفاده از استعاره‌های مفهومی (۱۱۹۹ مورد) محاسبه شده است. برای نمونه، برای رشته انسانی فراوانی مورد انتظار از حاصل ضرب $۳۳۹/۳ = ۰/۲۸۳ * ۱۱۹۹$ محاسبه می‌شود و مانده تفاوت آنها نیز از تفاضل دو ستون حاصل می‌شود (برای مثال برای رشته انسانی برابر $-۱۲/۳ = ۳۳۹/۳ - ۳۲۷$). مقایسه فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار، گویای عدم اختلاف زیاد بین این دو است؛ بنابراین انتظار داریم فرض همگونی استفاده از استعاره در تحصیلات مورد تأیید قرار گیرد.

در جدول (۴)، آماره آزمون کای دو، براساس اختلاف فراوانی مشاهده شده و آنچه مورد انتظار است، محاسبه می‌شود؛ به طوری که هر چه تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار بیشتر باشد، مقدار آماره آزمون کای دو نیز بیشتر و در نتیجه فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار، انطباق کمتری با هم خواهند داشت. همچنین سطح معنی داری آزمون، براساس مقدار آماره آزمون کای دو محاسبه شد؛ به طوری که هر چه اختلاف فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار و در نتیجه مقدار آماره آزمون کای دو بیشتر باشد، سطح معنی داری آزمون، مقدار کمتری را نشان می‌دهد.

جدول (۴) آزمون همگونی استفاده از انواع استعاره مفهومی

شاخص‌ها	استعاره‌های مفهومی
آماره آزمون کای دو	۱/۷۷۰
درجه آزادی	۲
سطح معنی داری آزمون	۰/۴۱۳

با توجه به این جدول که در آن مقدار سطح معنی داری آزمون کای اسکوتر (مقدار ۰/۴۱۳) بیشتر از خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است، با خطای ۵ درصد، فرض منطبق بودن نسبت‌ها رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به تعداد موارد کاربرد کل استعاره‌های مفهومی می‌توان گفت که استفاده از استعاره‌های مفهومی در دختران بیشتر از پسران بود و این اختلاف از لحاظ آماری معنی دار است. در

جدول ۵. فراوانی استفاده از انواع استعاره مفهومی بر حسب رشته

نوع استعاره	رشته	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	مانده تفاوت
کل استعاره‌های مفهومی	انسانی	۳۲۷	۳۳۹/۳	-۱۲/۳
	ریاضی	۴۹۹	۵۰۷/۲	-۸/۲
	تجربی	۳۷۳	۳۵۲/۵	۲۰/۵
	کل	۱۱۹۹	-----	-----

نمی‌شود. به سخن دیگر، بین تعداد موارد استفاده از کل استعاره‌های مفهومی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی، در سطح خطای ۵ درصد، در آماری تفاوتی ندارد. در نتیجه، تعداد موارد استفاده از این نوع استعاره‌ها در انواع رشته‌ها، متفاوت نیست؛ پس فرضیه ۲ تحقیق مبنی بر اینکه دانش‌آموزان رشته علوم انسانی بیشتر از سایرین، از استعاره‌های مفهومی در نوشتار خود استفاده می‌کنند، تأیید نمی‌شود و از این منظر، تفاوت معنی‌داری بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف وجود ندارد.

فرضیه ۳- بسامد کاربرد استعاره‌های عینی به ذهنی و جهتی، بیشتر از سایر انواع استعاره است.

جدول (۷) نشان می‌دهد که در بین ۱۱۹۹ بار استفاده از استعاره‌های مفهومی، ۱۳ بار (۱/۰۸ درصد) از استعاره‌های تصویری، ۵ بار (۰/۴۲ درصد) از استعاره‌های ذهنی به ذهنی، ۸۸ بار (۷/۳۴ درصد) از جهتی، ۵۰۴ بار (۴۲/۰۴ درصد) از عینی به عینی، ۱۱/۵۱ درصد از ساختاربنیاد، ۷/۶۷ درصد از جانداربنیاد، ۷/۰۹ درصد از شیءبنیاد، ۲۰/۸۵ درصد از ظرفبنیاد، ۵۲ درصد از حسن‌بنیاد و در نهایت ۵۸۹ بار (۴۹/۱۲ درصد) از کل استعاره‌های عینی به ذهنی استفاده شده است.

در جدول (۶)، آماره آزمون کای دو براساس اختلاف فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، نشان داده شده است؛ به‌طوری‌که هرچه تفاوت بین فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار بیشتر باشد، مقدار آماره آزمون کای دو نیز بیشتر و در نتیجه فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، انطباق کمتری با هم خواهند داشت. درجه آزادی نیز به‌صورت اختلاف تعداد سطوح رشته (سه رشته) از عدد ۱ تا ۳ محاسبه می‌شود. همچنین سطح معنی‌داری آزمون، براساس مقدار آماره آزمون کای دو محاسبه شد. هرچه اختلاف فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار و در نتیجه مقدار آماره آزمون کای دو بیشتر باشد، سطح معنی‌داری آزمون مقدار، کمتری را نشان می‌دهد.

جدول (۶) آزمون همگونی استفاده از انواع استعاره مفهومی بر حسب رشته

شاخص‌ها	استعاره‌های مفهومی
آماره آزمون کای دو	۱/۷۷۰
درجه آزادی	۲
سطح معنی‌داری آزمون	۰/۴۱۳

با توجه به این جدول، چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون کای اسکوتر (مقدار ۰/۴۱۳) بیشتر از خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است، پس با خطای ۵ درصد، فرض منطبق بودن نسبت‌ها رد

جدول ۷. تعداد موارد استفاده از انواع استعاره

نوع استعاره	تعداد موارد استفاده	درصد موارد استفاده
تصویری	۱۳	۱/۰۸
ذهنی به ذهنی	۵	۰/۴۲
جهتی	۸۸	۷/۳۴
عینی به عینی	۵۰۴	۴۲/۰۴
ساختاربنیاد	۱۳۸	۱۱/۵۱
جانداربنیاد	۹۲	۷/۶۷
شی‌بنیاد	۸۵	۷/۰۹
ظرف‌بنیاد	۲۵۰	۲۰/۸۵
حسن‌بنیاد	۲۴	۲
کل عینی به ذهنی	۵۸۹	۴۹/۱۲
کل استعاره مفهومی	۱۱۹۹	۱۰۰

می‌دهد. فراوانی مورد انتظار برای هر نوع نیز از حاصل ضرب ۲۰ درصد (درصد مورد انتظار در صورت همگونی استفاده از ۵ نوع استعاره) در تعداد کل موارد استفاده از استعاره‌های مفهومی (۱۱۹۹ مورد) محاسبه شده است. به‌عنوان نمونه برای استعاره تصویری، فراوانی مورد انتظار از حاصل ضرب $۲۳۹/۸ = ۰/۲ * ۱۱۹۹$ محاسبه می‌شود. مانده تفاوت آنها نیز از تفاضل دو ستون حاصل می‌شود (برای نمونه برای تصویری برابر $۲۲۶/۸ - ۲۳۹/۸ = ۱۳$). مقایسه فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، نشان می‌دهد که اختلاف زیادی بین این دو وجود دارد و بنابراین انتظار داریم فرض همگونی استفاده از انواع استعاره مورد تأیید قرار نگیرد.

جدول ۹. آزمون همگونی استفاده از انواع استعاره

شاخص‌ها	استعاره‌های مفهومی
آماره آزمون کای دو	۱۳۴۰/۰۹۵
درجه آزادی	۴
سطح معنی‌داری آزمون	۰/۰۰۱

در جدول (۹) آماره آزمون کای دو براساس اختلاف فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، نشان داده شده است؛ به‌طوری‌که هرچه تفاوت بین فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، بیشتر باشد، مقدار آماره آزمون کای دو نیز بیشتر و در نتیجه فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، انطباق کمتری با هم خواهند داشت. درجه آزادی نیز به‌صورت اختلاف تعداد سطوح انواع استعاره (۵ نوع) از عدد یک (۴ - ۱ - ۵) محاسبه می‌شود. همچنین سطح معنی‌داری آزمون، براساس مقدار آماره آزمون کای دو محاسبه شد؛ به‌طوری‌که هرچه اختلاف فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار و در نتیجه مقدار آماره آزمون کای دو بیشتر باشد، سطح

اکنون به مقایسه کاربرد استفاده از استعاره‌های تصویری، ذهنی به ذهنی، جهتی، عینی به عینی و عینی به ذهنی خواهیم پرداخت.

جدول ۸. فراوانی استفاده از انواع استعاره

نوع استعاره	فراوانی مشاهده‌شده	فراوانی مورد انتظار	مانده تفاوت
تصویری	۱۳	۲۳۹/۸	-۲۲۶/۸
ذهنی به ذهنی	۵	۲۳۹/۸	-۲۳۴/۸
جهتی	۸۸	۲۳۹/۸	-۱۵۱/۸
عینی به عینی	۵۰۴	۲۳۹/۸	۲۶۴/۲
عینی به ذهنی	۵۸۹	۲۳۹/۸	۳۴۹/۲

فراوانی مشاهده‌شده در جدول (۸)، تعداد موارد استفاده از کل استعاره‌های مفهومی (۱۱۹۹ بار) به تفکیک نوع استعاره (تصویری، ذهنی به ذهنی، جهتی، عینی به عینی و عینی به ذهنی) را نشان

معنی‌داری آزمون، مقدار کمتری را نشان می‌دهد. با توجه به این جدول، چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون کای اسکوئر (مقدار ۰/۰۰۱) کمتر از خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است؛ پس با خطای ۵ درصد، فرض منطبق بودن نسبت‌ها رد می‌شود. به عبارت دیگر، بین فراوانی استفاده از انواع استعاره در سطح خطای ۵ درصد، تفاوت آماری وجود دارد. در نتیجه، تعداد موارد استفاده از انواع استعاره‌ها متفاوت است. اکنون با توجه به جدول (۸)، چون تعداد موارد استفاده برای استعاره عینی به ذهنی (۵۸۹ بار) بیش از سایر انواع استعاره می‌باشد، می‌توان گفت که در بین انواع استعاره، استفاده از استعاره عینی به ذهنی بیشتر از سایر استعاره‌ها است و اختلاف آن با دیگران از لحاظ آماری، معنی‌دار است. همچنین استفاده از استعاره عینی به ذهنی (۵۰۴ بار) در رتبه دوم و استفاده از استعاره جهتی (۸۸ بار) نیز در رتبه سوم قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، استفاده از استعاره ذهنی به ذهنی (۵ بار) در مرتبه آخر قرار می‌گیرد.

جدول ۱۱. آزمون همگونی استفاده از انواع استعاره‌های عینی به ذهنی

شاخص‌ها	استعاره‌های مفهومی
آماره آزمون کای دو	۲۴۱/۲۹۷
درجه آزادی	۴
سطح معنی‌داری آزمون	۰/۰۰۱

اکنون به مقایسه بسامد استفاده انواع استعاره‌های عینی به ذهنی (یعنی ۵ نوع: ساختاربنیاد، جانداربنیاد، شیءبنیاد، ظرفبنیاد و حس‌بنیاد) خواهیم پرداخت.

جدول ۱۰. فراوانی استفاده از انواع استعاره‌های عینی به ذهنی

فراوانی مشاهده‌شده در جدول (۱۰)، تعداد موارد استفاده از کل استعاره‌های عینی به ذهنی (۵۸۹ بار) را به تفکیک نوع استعاره (ساختاربنیاد، جانداربنیاد، شیءبنیاد، ظرفبنیاد و حس‌بنیاد) نشان می‌دهد. فراوانی موردانتظار برای هر نوع نیز از حاصل‌ضرب ۲۰ درصد (درصد مورد انتظار در صورت همگونی استفاده از ۵ نوع استعاره) در تعداد کل موارد استفاده از استعاره‌های عینی به ذهنی (۵۸۹ مورد) محاسبه شده است. برای نمونه در استعاره ساختاربنیاد، فراوانی مورد انتظار از حاصل‌ضرب $۱۱۷/۸ = ۵۸۹ \times ۰/۲$ محاسبه می‌شود. مانده تفاوت آنها نیز از تفاضل دو ستون حاصل می‌شود (برای مثال برای ساختاربنیاد برابر $۲۰/۲ = ۱۱۷/۸ - ۱۳۸$). مقایسه فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار نشان می‌دهد که اختلاف نسبتاً زیادی بین این دو وجود دارد و بنابراین انتظار داریم فرض همگونی استفاده از انواع استعاره مورد تأیید قرار نگیرد.

جدول ۱۰. فراوانی استفاده از انواع استعاره‌های عینی به ذهنی

نوع استعاره	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	مانده تفاوت
ساختاربنیاد	۱۳۸	۱۱۷/۸	۲۰/۲
جانداربنیاد	۹۲	۱۱۷/۸	-۲۵/۸
شیءبنیاد	۸۵	۱۱۷/۸	-۳۲/۸
ظرفبنیاد	۲۵۰	۱۱۷/۸	۱۳۲/۲
حس‌بنیاد	۲۴	۱۱۷/۸	-۹۳/۸

آماره آزمون کای دو، براساس اختلاف فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار در جدول (۱۱) محاسبه می‌شود؛ به طوری که هر چه تفاوت بین فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار بیشتر باشد، مقدار آماره آزمون کای دو نیز بیشتر و در نتیجه فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار، انطباق کمتری با هم خواهند داشت. درجه آزادی نیز به صورت اختلاف تعداد سطوح انواع استعاره‌های عینی به ذهنی (۵)

نوع)، از عدد یک ($4 = 5 - 1$) محاسبه می‌شود. همچنین سطح معنی‌داری آزمون، براساس مقدار آماره آزمون کای دو محاسبه شده است؛ به طوری که هرچه اختلاف فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار و در نتیجه مقدار آماره آزمون کای دو، بیشتر باشد، سطح معنی‌داری آزمون، مقدار کمتری را نشان می‌دهد. با توجه به این جدول، چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون کای اسکوتر (مقدار $0/001$) کمتر از خطای $0/05$ محاسبه شده است، پس با خطای ۵ درصد، فرض منطبق بودن نسبت‌ها رد می‌شود. به عبارت دیگر، بین تعداد موارد استفاده از انواع استعاره‌های عینی به ذهنی در سطح خطای ۵ درصد، دارای تفاوت در آمار هستند. در نتیجه تعداد موارد استفاده از انواع استعاره‌های عینی به ذهنی متفاوت است. اکنون با توجه به جدول (۱۱)، چون تعداد موارد استفاده برای استعاره ظرف‌بنیاد (۲۵۰ بار) بیش از سایر انواع استعاره می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت در بین انواع استعاره‌های عینی به ذهنی، استفاده از استعاره ظرف‌بنیاد بیشتر از سایر استعاره‌ها است و اختلاف آن با آنها از لحاظ آماری، معنی‌دار است. استفاده از استعاره حس‌بنیاد (۲۴ بار) نیز در رتبه آخر قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه ۳ به این صورت اصلاح می‌شود: **بسامد کاربرد استعاره‌های عینی به ذهنی (ظرف بنیاد)، عینی به عینی و جهتی، بیشتر از سایر انواع استعاره‌ها است.**

توصیف و تحلیل استعاره‌ها بر مبنای حوزه‌های مفهومی کووچش (۲۰۱۰)

زلتان کووچش (۲۰۱۰) در کتاب *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* به معرفی استعاره مفهومی، مجاز مفهومی، فضاهای ذهنی، تصویرهای استعاری و مفاهیم اصلی این حوزه زبان‌شناسی می‌پردازد. وی در بررسی استعاره مفهومی به تعریف و

دسته‌بندی دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد می‌پردازد. همانگونه که در بخش مبانی نظری بیان شد، دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد با چگونگی شکل‌گیری استعاره مفهومی مرتبط است. در روند شکل‌گیری استعاره مفهومی، حوزه مفهومی مبدأ دربردارنده مفهوم یا مفاهیم آشنا و ملموس (تر) است و عناصر موجود در حوزه مفهومی هدف که ناآشنا تر / انتزاعی (تر) اند، با عناصر موجود در آن، مقایسه یا تشبیه می‌شوند (عبدالکریمی: ۸۰). زولتان کووچش این مفاهیم رایج حوزه مبدأ و مقصد را از واژه‌نامه‌های متنوع استعاری و فهرست‌های استعاره‌های مفهومی، مانند «فهرست جامع استعاره» استخراج کرده است و ادعا دارد که اکثر نوشته‌های موجود درباره استعاره مفهومی را مطالعه کرده است (کووچش، ۲۰۱۰). وی رایج‌ترین حوزه‌های مبدأ را به شرح جدول (۱۲) تقسیم‌بندی می‌کند.

مثال: وقت را هدر نده. در این جمله که یک پاره‌گفتار است، وقت مانند عنصری انگاشته شده است که هدر می‌رود. هدر رفتن ویژگی چیزهایی است که به صورت مادی و ملموس در جهان خارج موجود است. می‌توان ادعا کرد که پاره‌گفتار فوق به جمله‌ای مانند: «وقت مانند آب هدر می‌رود» یا جمله‌ای مانند: «وقت مانند پول هدر می‌رود»، قابل تأویل است. حال اگر این تأویل را بپذیریم می‌توانیم «حوزه مبدأ» این استعاره مفهومی را مشخص کنیم. به این ترتیب می‌گوییم در این استعاره مفهومی، آب/ پول حوزه مبدأ است؛ زیرا حوزه معنایی این واژه، ملموس‌تر از حوزه معنایی وقت یا زمان است.

همانگونه که ذکر شد «در روند شکل‌گیری استعاره مفهومی، حوزه مفهومی مقصد یا هدف که دربردارنده مفهوم یا مفاهیم ناآشنا تر و انتزاعی (تر) است، با حوزه مفهومی دیگری که دربردارنده

مفهوم یا مفاهیم آشنا و ملموس (تر) است، مقایسه عناصر، به عناصر موجود در حوزه مفهومی آشناتر می‌شود و عناصر موجود در آن و روابط میان آن و ملموس (تر) مانند می‌شود» (عبدالکریمی: ۸۲).

جدول ۱۲. حوزه‌های متعارف مبدأ کووچش (۲۰۱۰)

حوزه مبدأ	مثال
بدن انسان	قلب مسئله
سلامتی و بیماری	یک ذهن سالم
جانداران/ جانوران	این کار خریت است
گیاهان	ثمره کار ما
ساختمان و بناها	نظریه را خوب پایه ریزی کن
ماشین و ابزار	ذهن او کامپیوتر است
ورزش و بازی‌ها	در برابر نظراتش مات شدم
آشپزی و غذا	دستور العمل شما برای موفقیت چیست؟
گرما و سرما	در آتش عشق می‌سوزد/ نگاهش یخ زده
تاریکی و روشنایی	او در غبار سر در گمی بود/ چشمانش برق زد
نیروها	سرطان او را از پا در آورد
مکان، حرکت و جهت	تورم روز به روز افزایش می‌یابد
پول و معاملات اقتصادی	وقت خود را درست مصرف کنید

جدول ۱۳. حوزه‌های متعارف مقصد کووچش (۲۰۱۰)

حوزه مقصد	مثال
عاطفه	از شادی در پوست خود نمی‌گنجید.
میل، احساس	او تشنه دانش است
اخلاق	من این را جبران می‌کنم
اندیشه	منظورت را می‌فهمم
جامعه/ ملت	کشورهای همسایه
سیاست	حزب مخالف را از مجلس بیرون کرد
زندگی و مرگ	پدربزرگ از پیش ما رفت
زمان	نوروز فرا می‌رسد
ارتباطات	او اطلاعات زیادی به من داد
روابط انسانی	رابطه آن‌ها در حال شکوفایی است
اقتصاد	رشد اقتصاد
مذهب	خدا همه چیز به ما داده است
رویدادها و کنش‌ها	سخت دیوانه شد

مثال: جلوی دیگران منو خراب نکن. در این مثال شخص (من) مانند ساختمان یا شیئی تصور شده است که می‌تواند خراب شود؛ زیرا معنای خراب شدن در ساختمان یا شیء، ملموس‌تر و آشنا تر است تا در آبرو یا شخصیت؛ در نتیجه می‌توان جمله فوق را چنین تأویل کرد: «شخصیت، ساختمان است». حال در این مثال، حوزه ناملوس و انتزاعی، حوزه شخصیت است؛ یعنی حوزه مقصد/ هدف، حوزه مفهومی شخصیت است و حوزه مفهومی دیگر، ساختمان است که حوزه مبدأ محسوب می‌شود. اکنون به بررسی استعاره‌های به‌کار رفته در نوشتار دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی می‌پردازیم. به‌علت وسعت داده‌ها، به ذکر مثال‌هایی بسنده شده است و جمله‌ها بدون تغییر و ویرایش ذکر شدند.

داده‌های استعاره عینی به ذهنی

الف) جانداربنیاد

در استعاره‌های جانداربنیاد یافته‌شده در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان)، مفاهیم مختلفی در نوشته‌های دانش‌آموزان جاندار فرض شدند؛ از جمله: پول (حرف اول را پول می‌زند)؛ عمر (خود را به دست عمر و روزگار می‌سپارم)؛ زمان (باید خود را به دست روزگار سپرد) و افکار (افکار مختلف در سر می‌پرورانیم).

برخی مفاهیم نیز انسان فرض شده‌اند؛ از جمله:

علم (ای علم بیا، می‌خواهم با تو ای علم، همراه شوم/ تا من و تو (علم) در کنار همیم/ با تو ام ای علم/ می‌توانم با تو (علم) پرچم ... به اهتزاز درآوریم)؛ خدا (زمانی که با خدا همراهی نمایم)؛ چون بهترین یار و یاور در کنار من است/ برنامه‌های من چیزی خصوصی بین من و خداست)؛ کشور (می‌توانم کمک‌های فراوانی به کشورم بکنم)؛ و ایران (پدر ایران زمین).

ب) حس‌بنیاد

در استعاره‌های حس‌بنیاد یافته‌شده در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان)، همه چیزهای مهم، بزرگ است (یک آدم بزرگ بشم) / گل فروشی بزرگی باز کنم / نقشه‌هایم برای این هدف بزرگ زیاد است / یادش روشنی‌بخش هدف‌های بلند من است / هدف‌های بزرگ / برای کشورم افتخار بزرگی بیافرینم).

ج) ساختاربنیاد

در این نوع استعاره، از داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان)، آینده، ماده یا خوراکی است (آینده‌ای که چکیده افکار حال حاضر من است)؛ زمان، ساختمان است (اولین هدف برای من ساختن آینده است)؛ زندگی، سفر است (آینده‌ای که حتی تو نمی‌دانی تا کجایش قرار است زندگی کنی / وقتی مسیری برای زندگی ات انتخاب می‌کنی / پس به هر کجا که برسم، اعتراض ندارم)؛ زمان، پول است (می‌خواهم از تک‌تک ثانیه‌های عمرم بهره ببرم / از این که برای سخنان و هدف من وقت صرف کردید)؛ زمان، خوراکی است (این روزهای شیرین به حقیقت پیوندند)؛ خانواده، ساختمان است (برای ساخت و تشکیل خانواده)؛ زمان، ساختمان است (نقشه‌هایی برای ساختن آینده‌ای خوب و روشن نکشید).

د) شیء‌بنیاد

براساس داده‌های پژوهش شکر، اهداف، آینده، آرامش، عمر و شغل به‌صورت شیء فرض شده است.

اهداف، شیء هستند (می‌خواهم آن چیزها را با راه راست پیدا کنم / موفق به دست آوردن هدفم بشوم / می‌توانم بهترین‌ها را به دست بیاورم / برای دسترسی به این هدف بزرگ)؛ آرامش، نور است

دل داشت گفت؛ خانواده، ساختمان است (برای تحکیم خانواده)؛ کنکور، سد است (کنکور مثل سدی می‌ماند)؛ انسان، گیاه است (پدر و مادر ... این نهالی را که کاشتند)؛ انسان، چراغ است (کسی که چراغ راهی برای ما باشد)؛ کنکور، مسابقه است (بعد از این ماراتون سخت ... / اصلاً سوت شروع این ماراتون به گوش آن فرد نمی‌رسد)؛ لبخند، شیء است (لبخند را از روی لبانش برداشت)؛ زن، شیء است (میرم سراغ زن گرفتن)؛ حرف، شیء است (من حرفم دیگه تمام شده است)؛ انسان، دریا ست (همه امواج مهیج من)؛ نگاه، مکان است (و در نگاهت گم می‌شود)؛ کشور، ساختمان است (تا در آینده کشوری را بسازیم)؛ پدر و مادر، شیء هستند (این دو گوهر گرانبها)؛ شیطنت، خوراکی است (شیطنت‌های شیرین).

برخی مفاهیم عینی نیز به صورت انسان فرض شده‌اند: چشم‌ها (چشم من یکی آب نمی‌خوره)؛ دل (دل‌م رضا نمی‌دهد)؛ خورشید (خورشید بیاید و سلام بگوید)؛ ابر (محل پرورش ابرهای باران‌زا)؛ چشم‌ها، انسان هستند (محل استراحت چشم‌های ما)؛ پرندگان (خبرها را به آسمان می‌دهند)؛ آسمان (گویی این آسمان مرده است / خبرها را به آسمان می‌دهند / شاهدی بر کارهایت (آسمان) می‌باشد / اشک‌های آسمان آبی / از آن بالا تو را می‌نگرد / صبر و تحملت (آسمان) وصف‌نشدنی است / زندگی مردم را می‌بینی و هیچ نمی‌گویی).

داده‌های استعاره ذهنی به ذهنی

از جمله استعاره‌های ذهنی به ذهنی در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان) می‌توان به این موارد اشاره کرد: برنامه، راز است (برنامه‌های من برای آینده چیزی خصوصی بین من و خدا می‌باشد)؛ یاد، دغدغه است (یادت دغدغه‌ای در خاطر من شد)؛ زندگی، زیبایی است (زندگی زیبایی است).

(به نام آن‌که نامش طلوع آرامش در قلبم است)؛ شغل، شیء است (یافتن شغل مناسب)؛ افکار، اشیاء هستند (فکرهایم برای آینده بی‌شمار است).

ه) ظرف‌بنیاد

مفاهیمی که در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان) بیشتر به صورت ظرف فرض شده است عبارتند از: زمان، کنکور، ایده‌ها، سیره پیامبر، ذهن، آزمون سراسری، اهداف، رشته تحصیلی، آروزها و نقشه‌ها و برنامه.

ظرف است (همان زمان به این فکر می‌افتادید)؛ برنامه‌ها، مکان هستند (خدا کمک کنه که به برنامه‌هایم برسیم)؛ آروزها و نقشه‌ها، مکان هستند (امیدوارم روزی به این نقشه‌ها و آروزها برسیم)؛ شعر، ظرف است (باید در عمق شعر سهراب نگریم)؛ ذهن، مکان است (من به سن هفده سالگی رسیده‌ام / آینده‌ای که من برای خود در ذهن ترسیم می‌کنم / این برنامه من برای آینده‌ای نه چندان دور است / به جای این که بشینی و در حال زندگی کنی / بعد از این که سال چهارم نظری را پشت سر گذاشتم)؛ کنکور، مکان است (به کنکور نزدیک می‌شویم).

داده‌های استعاره عینی به عینی

در این نوع استعاره، از داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان) برخی مفاهیم عینی به صورت مفاهیم دیگر عینی فرض شده است؛ از جمله: انسان، ظرف است (شاید از درون بخندید)؛ لبخند، مایع است (پوزخندی از لبانتان به بیرون تراوش بکند)؛ دهان، ظرف است (پوزخندی از لبانتان به بیرون تراوش بکند)؛ سر، ظرف است (من نقشه‌هایی در سر دارم)؛ دنیا، ظرف است (در این دنیای پر از تصور و خیال)؛ آسمان، کوه است (به بالاترین قله‌های آسمان صعود کنم)؛ دل، ظرف است (هر چه در

داده‌های استعاره تصویری

از جمله استعاره‌های تصویری در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان) می‌توان به این موارد اشاره کرد: هستی، انسان است (دست هستی)؛ هدف، پنجره است (هدف‌های انسان پنجره‌ای است که در آن قفل است)؛ باران، اشک است (اشک‌هایش را نثار زمین می‌کند)؛ آسمان، دریا ست (آسمان آبی، دریایی بیکران است)؛ باران، اشک است (با اشک‌های خود زمین را سیراب می‌کند).

داده‌های استعاره جهتی

در استعاره‌های جهتی یافته‌شده در داده‌های پژوهش (نوشتار دانش‌آموزان)، مفاهیم مختلفی فرض شدند؛ از جمله:

خوب/ بهتر بالاتر است (از نظر علمی خیلی پیشرفت کنند و به مراتب بالایی برسند/ بتوانم به بالاترین درجه‌ها راه پیدا کنم/ باعث سربلندی خانواده‌ام شوم/ در رشته‌ای خوب و عالی در سطح خودم شرکت کنم/ به جایگاه بالایی برسم/ در آسمان‌ها خداوند به انسان نزدیکتر است، برای رسیدن به مراتب عالی/ تا با این کار، کشورم از دیگر کشورها سر بلند شود/ و به آروزهای والای خودم که سفر به کشورهای خارجه است/ نقشه‌هایی چون راه رسیدن به اوج/ برای مردم و سربلندی در پیشگاه خداوند، مایه افتخار و سر بلندی من باشد/ تا این کشور را به جای رفیع ... برسانم/ نتوانید انسان والا مرتبه‌ای شوید/ از لحاظ مادی و معنوی به بالاترین رده‌های ممکن برسم؛ مهم‌تر، بالاتر است: از اهمیت بالاتری برخوردار می‌شود؛ بیشتر بالاتر است: بالاترین هدف دوران کودکی/ به بالاترین قله‌های آسمان صعود کنم/ با ادامه دادن این رشته تا مراحل بالا/ داشتن تحصیلات بالا/ تحصیلات بیشتر، شعور آدم را بالا می‌برد/ با ایمان راسخ و توکل بالا به تلاش خود

ادامه دهند/ علم و تحصیلات خود را به سطح بالایی برسانم/ آرزوهای بلند و بالایی برای آینده دارند/ چه درد رنجی بالاتر از آن؟! چه تلاشی بالاتر از .../ روز به روز بر تیرگی آسمان افزوده می‌شود).

این مفاهیم نیز بالا فرض شده‌اند: پیروزی (در کنکور سربلند بیرون بیایم/ اوج من نگاه گیرای توست، و مرا از تمام عمق به قله‌های بلند خواهد رساند)؛ عشق/ معشوق (به تو که والاترین عشق آسمانی هستی)؛ علم/ دانش (به درجات بالای علم و دانش برسم)؛ پست و مقام (دست یافتن به مقام والایی در این مملکت)؛ افتخار (باعث سرفرازی خودمان می‌شود/ تا به قله افتخار و بزرگی‌های والا برسیم/ نقشه‌هایی که باعث سربلندی خودم و خانواده‌ام شود/ به خواست خداوند بزرگ به سربلندی می‌رسم)؛ پیشرفت (همین اعتماد به نفس انسان را بالا می‌برد)؛ استعداد (از استعداد بالایی برخوردار بودم).

برخی مفاهیم نیز نیرو فرض شدند؛ از جمله، سختی (آنقدر قوی باشم که بتوانم در برابر سختی‌های روزگار بایستم)؛ درد (می‌گیرد و از شدت درد کبود می‌شود)؛ مشکل (زیر بار مشکلات کمر خم کرده)؛ غصه (غصه‌ای قلب نازکش را می‌فشرد/ آدم را از بند مشکلات رها می‌کند).

همچنین در استعاره‌های جهتی یافته‌شده در داده‌های مقاله (نوشتار دانش‌آموزان) برخی مفاهیم دارای سطح فرض شده‌اند؛ از جمله آرزو (بهتر است اسم هدف‌هایم را روی آن (آرزو) بگذارم)؛ لب (لبخند از روی لبانش برداشت)؛ فکر (من خیلی روی حرفش فکر کردم)؛ زمان (نباید تأثیراتی چشم‌گیر بر آینده شخص داشته باشد)؛ نتیجه (شاید اثری به روی نتیجه داشته باشد)؛ دل (و نگاه ژرفای تو چون تیر امید بر دلم خواهد نشست). در استعاره‌های جهتی، پایین فرض شده:

- (اهداف پایین زندگی را به تحمل نکردن سختی‌ها ترجیح می‌دهند/ و مرا از تمام عمق به قلّه‌های بلند خواهد رساند/ احتمالاً به سقوط در تاریکی‌ها خواهید رسید/ روز به روز بر تیرگی آسمان افزوده می‌شود).
- اکنون به بررسی فراوانی مفاهیم درحوزه مبدأ و مقصد در استعاره‌های یافت‌شده در این پژوهش می‌پردازیم. با توجه به تعدد مفاهیم، از ذکر مفاهیم با فراوانی کمتر از ۳ خود داری شده است.
- فراوانی مفاهیم حوزه مبدأ در داده‌های پژوهش**
۱. انسان/ شخص جاندار ۳۴۱ مورد.
 ۲. مکان، ۲۳۹ مورد.
 ۳. ظرف، ۱۶۱ مورد.
۴. جسم و شیء، ۱۰۵ مورد.
۵. بالا ۵۰ مورد.
۶. بنا و ساختمان، ۳۵ مورد.
۷. مسیر، ۲۶ مورد.
۸. سفر بزرگ، ۱۹ مورد.
۹. گل، گیاه و درخت میوه، ۱۲ مورد.
۱۰. ابزار، ۱۱ مورد.
۱۱. خوراکی، ۱۰ مورد.
۱۲. دریا، ۹ مورد.
۱۳. نیرو / مسابقه / سطح، ۷ مورد.
۱۴. کالا/ اشک/ پول، ۵ مورد.
۱۵. ماشین/ پایین/ سقف/ حیوان ۴ مورد.
۱۶. پرنده/ آسمان/ ماهی/ دست/ خانه/ کوه/ موانع/ آینده/ نور/ چشم/ عشق/ گرما، ۳ مورد.

جدول ۱۴. انطباق حوزه‌های مبدأ (کوچش ۲۰۱۰) و یافته‌های پژوهش

فراوانی حوزه‌های متعارف در داده‌های پژوهش	حوزه‌های متعارف مبدأ کوچش (۲۰۱۰)
اشک، ۵ مورد؛ دست، ۳ مورد؛ چشم، ۳ مورد	بدن انسان
	سلامتی و بیماری
انسان/ شخص جاندار، ۳۴۱ مورد؛ حیوان، ۴ مورد؛ ماهی، ۳ مورد؛ پرنده، ۳ مورد	جانداران/ جانوران
گل، گیاه و درخت میوه، ۱۲ مورد	گیاهان
بنا و ساختمان، ۳۵ مورد	ساختمان و بناها
ابزار، ۱۱ مورد؛ جسم و شیء، ۱۰۵ مورد؛ ماشین، ۴ مورد	ماشین و ابزار
مسابقه، ۷ مورد	ورزش و بازی‌ها
خوراکی، ۱۰ مورد	آشپزی و غذا
گرما، ۲ مورد	گرما و سرما
نور، ۳ مورد	تاریکی و روشنایی
نیرو، ۷ مورد	نیروها
مکان، ۲۳۹ مورد؛ ظرف، ۱۶۱ مورد؛ بالا، ۵۰ مورد؛ مسیر، ۲۶ مورد؛ سفر، ۱۹ مورد؛ پایین، ۴ مورد؛ سطح، ۷ مورد	حرکت و جهت
کالا، ۵ مورد؛ پول، ۵ مورد	پول و معاملات اقتصادی

- مقایسه این داده‌ها با حوزه‌های مبدأ معرفی شده در کووچش (۲۰۱۰) در جدول (۱۴) نشان می‌دهد که حوزه‌های مبدأ در نوشتار دانش‌آموزان، با دسته‌بندی کووچش (۲۰۱۰) منطبق است و فقط مفهوم «سلامتی و بیماری» به‌عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌های مفهومی یافت شده در نوشتار دانش‌آموزان پیدا نشد و حوزه‌های متنوع دیگری در داده‌های پژوهش یافت شد.
- فراوانی مفاهیم حوزه مقصد در داده‌های پژوهش**
۱. آسمان، ۲۲۳ مورد.
 ۲. زندگی، ۸۲ مورد.
 ۳. زمان، ۶۰ مورد.
 ۴. آینده، ۵۹ مورد.
 ۵. خدا، ۴۱ مورد.
 ۶. اهداف، ۳۷ مورد.
 ۷. ذهن، ۳۱ مورد.
 ۸. انسان، ۲۶ مورد.
 ۹. بهتر/جامعه، ۲۴ مورد.
 ۱۰. فکر، ۲۰ مورد.
۱۱. مهم، ۲۰ مورد.
 ۱۲. آرزو، ۱۸ مورد.
 ۱۳. دل، ۱۷ مورد.
 ۱۴. رشته/خورشید/ابر، ۱۶ مورد.
 ۱۵. کنکور، ۱۵ مورد.
 ۱۶. سر/بیشتر، ۱۴ مورد.
 ۱۷. رؤیا/ستاره/نقشه، ۱۱ مورد.
 ۱۸. هدف/پرنده، ۱۰ مورد.
 ۱۹. علم، ۹ مورد.
 ۲۰. گذشته/مشکل/نگاه، ۸ مورد.
 ۲۱. افتخار/خوب/برنامه (هدف) ۷ مورد.
 ۲۲. باران/روز/وجود/نظر/خانواده/چشم/آرامش، ۶ مورد.
 ۲۳. دست/مکان/کشور/سن/قلب/زمین/امید/دوران/دنیا، ۵ مورد.
 ۲۴. پول/تحصیل/گیاه/عمر/عشق/پیشرفت، ۴ مورد.
 ۲۵. زیبایی/روزگار/موفقیت/لبخند/شب/سختی، ۳ مورد.

جدول ۱۵. انطباق حوزه‌های مقصد (کووچش ۲۰۱۰) و یافته‌های پژوهش

فراوانی حوزه‌های متعارف در داده‌های پژوهش	حوزه‌های متعارف مقصد کووچش (۲۰۱۰)
آرزو، ۱۸ مورد؛ رؤیا، ۱۱ مورد؛ آرامش ۶ مورد؛ امید، ۵ مورد	عاطفه
عشق، ۴ مورد؛ لبخند، ۳ مورد؛ افتخار، ۷ مورد؛ قلب، ۵ مورد؛ سختی، ۳ مورد	میل، احساس
	اخلاق
ذهن، ۳۱ مورد؛ فکر ۲۰ مورد	اندیشه
جامعه، ۲۴ مورد؛ انسان، ۲۶ مورد	جامعه/ملت
نقشه، ۱۱ مورد؛ برنامه (هدف)، ۷ مورد؛ اهداف، ۳۷ مورد	سیاست
زندگی، ۸۲ مورد؛ عمر، ۴ مورد؛ سن، ۵ مورد؛ کودکی، ۵ مورد	زندگی و مرگ
زمان، ۶۰ مورد؛ آینده، ۵۹ مورد؛ گذشته، ۸ مورد؛ روز، ۶ مورد؛ دوران، ۵ مورد؛ روزگار، ۳ مورد؛ شب، ۳ مورد	زمان
	ارتباطات
خانواده، ۶ مورد؛ عشق، ۴ مورد	روابط انسانی
پول، ۴ مورد؛ پیشرفت، ۴ مورد	اقتصاد
خدا، ۴۱ مورد	مذهب
موفقیت، ۳ مورد	رویدادها و کنش‌ها

مقایسه این داده‌ها با حوزه‌های معرفی شده در کووچش (۲۰۱۰) در جدول (۱۵) نشان می‌دهد که حوزه‌های مقصد در نوشتار دانش‌آموزان، منطبق و متنوع‌تر از دسته‌بندی کووچش (۲۰۱۰) است و فقط مفاهیم اخلاق و ارتباطات به‌عنوان حوزه مقصد در نوشتار دانش‌آموزان یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ضمن پرداختن به مبانی نظری و بررسی پیشینه مربوط به استعاره‌های مفهومی در زبان‌شناسی شناختی، پیکره زبانی گردآوری شده توسط فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بررسی و تحلیل شده است. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال تحصیلی ۹۳-۲ آزمونی با نام امزا برگزار کرد و مهارت‌های زبانی شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دوره متوسطه برپایه مواد درسی زبان و ادبیات فارسی در سه رشته انسانی، ریاضی و تجربی ارزیابی و سنجش شد. نمونه آماری معادل ۳۶۶ تن بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای از شهر تهران انتخاب شدند. در این پژوهش، تعداد ۲۷۲ متن که دانش‌آموزان (۱۵۲ دختر و ۱۲۰ پسر) نوشتند، بررسی و استعاره‌های مفهومی آن براساس طبقه‌بندی پیشنهادی افراشی و حسامی (۱۳۹۲) استخراج و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش برای پاسخ به پرسش‌ها و بررسی فرضیه‌های مطرح شده در مقدمه مقاله را می‌توان این گونه خلاصه کرد:

(۱) با توجه به بسامد کاربرد کل استعاره‌های مفهومی، استفاده از استعاره‌های مفهومی در دختران بیشتر از پسران بود و این اختلاف از لحاظ آماری معنی‌دار است. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر از استعاره‌های مفهومی استفاده می‌کنند، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

(۲) بین فراوانی استفاده از کل استعاره‌های مفهومی دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی، در سطح خطای ۵ درصد تفاوت آماری، یافت نشد. بنابراین تعداد موارد استفاده از این نوع استعاره‌ها در انواع رشته، متفاوت نیست. پس فرضیه ۲ پژوهش مبنی بر اینکه دانش‌آموزان رشته علوم انسانی بیشتر از سایرین از استعاره‌های مفهومی در نوشتار خود استفاده می‌کنند، تأیید نمی‌شود و از این منظر، تفاوت معنی‌داری بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف وجود ندارد.

(۳) در بین انواع استعاره، بسامد استعاره عینی به ذهنی، بیشتر از سایر انواع استعاره بود و اختلاف آن با انواع دیگر از لحاظ آماری، معنی‌دار است. همچنین استعاره عینی به عینی در رتبه دوم و استعاره جهتی نیز در رتبه سوم قرار می‌گیرد. به همین ترتیب استعاره ذهنی به ذهنی در مرتبه آخر قرار می‌گیرد. در بین انواع استعاره‌های عینی به ذهنی نیز بسامد کاربرد استعاره ظرف‌بنیاد بیشتر از انواع دیگر بود و اختلاف آن با انواع دیگر از لحاظ آماری معنی‌دار است و بعد از آن استعاره ساختاربنیاد، بیشترین بسامد کاربرد را داشته است. استفاده از استعاره حس‌بنیاد نیز در رتبه آخر قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه ۳ به این صورت اصلاح می‌شود: بسامد کاربرد استعاره‌های عینی به ذهنی (ظرف بنیاد)، عینی به عینی و جهتی بیشتر از انواع دیگر استعاره است.

بررسی حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره‌های مفهومی در پیکره پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم «انسان (جاندار شخص)، مکان، ظرف، جسم، شیء و بالا» به ترتیب پربسامدترین حوزه‌های مفهومی مبدأ و «آسمان، زندگی، زمان، آینده و خدا» پربسامدترین حوزه‌های مفهومی مقصد در داده‌های پژوهش هستند. مقایسه این داده‌ها با حوزه‌های

مبدأ و مقصد معرفی شده در کووچش (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که حوزه‌های مبدأ و مقصد در نوشتار دانش‌آموزان منطبق با دسته‌بندی کووچش است و فقط مفهوم «سلامتی و بیماری» به‌عنوان حوزه مبدأ و مفاهیم «اخلاق» و «ارتباطات» به‌عنوان حوزه مقصد در استعاره‌های مفهومی یافت شده در نوشتار دانش‌آموزان پیدا نشد.

منابع

استورانامقی، سید محمد (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی مشترک رباعیات خیام و طلسم ابوماضی»، *ادبیات تطبیقی*، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱-۲۱.

افراشی، آریتا و دیگران (۱۳۹۴)، «استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار»، *زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ش ۶، صص ۳۹-۶۱.

افراشی، آریتا و حسامی، تورج (۱۳۹۲)، «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ش ۳، صص ۵-۱۴۱-۱۶۵.

افراشی، آریتا و مقیمی‌زاده، مهدی (۱۳۹۳)، «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی»، *زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱-۲۰.

افراشی، آریتا. (۱۳۹۷)، *استعاره و شناخت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باباسالاری، زهرا (۱۳۹۴)، «بررسی ویژگی‌های شناختی کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور مرکز.

بارانی، محمد و همکاران (۱۳۹۵)، «کاربرد استعاره مفهومی در قصاید ناصر خسرو»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، دوره ۱۴، ش ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵،

صص ۴۱-۶۲.

توفیقی، حسن و شکیبا، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «استعاره مفهومی و سرنوشت چهار رباعی منسوب به خیام»، *شعر پژوه (بوستان ادبی)*، دانشگاه شیراز، ش ۸، صص ۲۵-۴۶.

حجازی، بهجت السادات (۱۳۹۵)، «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن»، *علوم و فنون ادبی*، ش ۸، صص ۳ (پیاپی)، پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۵-۱۰۲.

حسینی، سیده مطهره و قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۶)، «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»، *ذهن*، دوره ۱۸، ش ۶۹، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۷-۵۲.

خراسانی، فهیمه و غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۷)، «استعاره مفهومی: نقطه تلاقی تفکر و بلاغت در قصاید ناصر خسرو»، *فنون ادبی*، دوره ۱۰، ش ۱ (پیاپی ۲۲)، بهار ۱۳۹۷، صص ۷۱-۸۴.

خیری کنگان، زهرا (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه کارایی استعاره و مفهومی و آمیزش مفهومی در تبیین تبلیغات استعاری تعدادی از مجلات خانوادگی ایرانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

دانشگر، مریم (۱۳۹۶)، «مهارت‌های دانش‌آموختگان نظام متوسطه با محوریت درس زبان و ادبیات فارسی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *جستارهای زبانی*، دوره ۸، ش ۱، (پیاپی ۳۶)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۲۳۱-۲۵۶.

داوری اردکانی، رضا و همکاران (۱۳۹۲)، *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*، تهران: هرمس.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۶)، *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*، تهران: سمت.

راسخ‌مهند، محمد و سهرابی، رخساره (۱۳۹۱)، «سیر استعاره در شعر سنتی و نو فارسی (مبتنی بر گزیده اشعار حافظ و سهراب سپهری)»، *هفتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه علامه طباطبایی.

راسخ‌مهند، محمد و شمس‌الدینی، مونا (۱۳۹۴)، «طبقه‌بندی معنایی اصطلاحات فارسی از دیدگاه

در ترانه‌های عامیانه گویش بختیاری از دیدگاه شناختی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران*.

قادری نجف آبادی، سلیمان و توانگر، منوچهر (۱۳۹۲)، «تحلیل شناختی پاره‌ای از استعاره‌های دل در بوستان سعدی»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، س ۵، ش ۱، صص ۵۱-۲۱*.

قلندرزهی، محمدرحیم (۱۳۹۶)، «تحلیل کتاب‌های آموزش زبان عربی دوره اول متوسطه بر مبنای استعاره‌های مفهومی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان عربی، دانشگاه تربیت مدرس*.

کریمی، طاهره و علامی، ذوالفقار (۱۳۹۲)، «استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش خوردن»، *نقد ادبی، س ۶، ش ۲۴، صص ۱۶۸-۱۴۳*.

گرچی، مصطفی و صارمی، محمود (۱۳۹۲)، «بررسی استعاره مفهومی رفتن در شعر قیصر امین‌پور بر پایه معنانشناسی»، *پژوهش‌های ادبی، دوره ۱۰، ش ۲۹، صص ۱۳۳-۱۵۴*.

گلفام، ارسلان و همکاران (۱۳۸۸)، «استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی»، *نقد ادبی، س ۷، ش ۷، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۲۱-۱۳۶*.

مازه پوا، یلنا (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی دل بر اساس نظریه استعاره مفهومی در تعابیر مصطلح فارسی و اکراینی»، *پژوهش‌های ادبی و بلاغی، س ۲، ش ۱، پیاپی ۵، زمستان ۱۳۹۲، صص ۹۰-۱۰۱*.

مهرابی، معصومه و ذاکر، آرمان (۱۳۹۵)، «تغییرات معنایی مفهوم‌سازی‌های فرهنگی نام‌انداز دست در جزء اول اسامی مرکب زبان فارسی در قالب زبان‌شناسی فرهنگی»، *جستارهای زبانی، دوره ۷، ش ۵، آذر و دی ۱۳۹۵، صص ۲۲۵-۲۵۳*.

مؤزنی، علی محمد و خنجری، شهروز (۱۳۹۳)، «تحلیل برخی از استعاره‌های مفهومی فارسی با استفاده از الگوی شبکه‌ای و ادغام»، *ادب فارسی،*

زبان‌شناسی شناختی، ادب پژوهی، س ۶، ش ۲۰، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱-۳۲.

رضویان، حسین و خانزاده، معصومه (۱۳۹۳)، «چند معنایی حرف اضافه «به» در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دوره ۲، ش ۷، زمستان ۱۳۹۳، صص ۵۷-۷۹*.

روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۵)، *مقدمه‌ای بر معنانشناسی شناختی*، چاپ دوم. تهران: نشر علم.

زرقانی، سید مهدی و همکاران (۱۳۹۳)، «تحلیل شناختی استعاره عشق در غزلیات سنایی»، *جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)*. س ۴۶، ش ۱۸۳، زمستان ۱۳۹۲، ۱-۳۰.

زوروز، مهدیس و همکاران (۱۳۹۲)، «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۵، ش ۹، پاییز و زمستان، صص ۴۹-۷۲*.

شریفی، شهلا و حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی»، *تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۳۹-۶۳*.

صباحی گراغانی، حمید و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره»، *ادب و زبان و فارسی، دوره ۱۹، ش ۳۹، صص ۸۵-۱۰۷*.

صفوی، کورش (۱۳۹۶)، *استعاره*، تهران: انتشارات علمی.

عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۴)، *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی*، تهران: انتشارات علمی.

عرب یوسف آبادی، فائزه و فرضی شوب، منیره (۱۳۹۰)، «بازتاب فناوری و ماشین‌نیم در استعاره‌های فارسی محاوره‌ای از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۱۹-۱۰۳*.

عسکرنیا، مدینه (۱۳۹۱)، «بررسی استعاره‌های مفهومی

- دوره ۴، ش ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۳،
صص ۱-۱۳.
- کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
دانشگاه تهران.
- نجار فیروز جایی، مهدی (۱۳۹۲)، «تحلیل استعاره
مفهومی در اشعار احمد شاملو»، پایان نامه
- نیلی پور، رضا (۱۳۹۴)، زبان‌شناسی شناختی، تهران:
هرمس.
- Lakoff, George. 1993. "Contemporary
Theory of Metaphor". Nueva York: en
Ortony, A., (Eds.), Metaphor and
Thought, 2a. ed., Cambridge University
Press. pag. 202-251.
- Kövecses, Z. (2010). Metaphor: A Practical
Introduction. New York: Oxford
University Press.
- Reddy, M. 1979. "The conduit metaphor".
IN A, Ortony. (Eds.). Metaphor and
Thought. Cambridge: Cambridge
University Press, PP: 284-324.
- Lakoff, G. (1993). "The Contemporary
Theory of Metaphor". In A , Ortony.
(Eds.). Metaphor and Thought.
Cambridge: Cambridge University Press,
PP: 202-251.
- Yu, Ning (1995) , "Metaphorical
Expressions of Anger & Happiness in
English & Chinese". Metaphor and
Symbolic Activity, 10 (2) , 59-92,
Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Lakoff, G. and M. Turner (1989). More than
cool reason: A field guide to poetic
metaphor, Chicago: The University of
Chicago Press.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). Metaphors
we live by, Chicago: The University of
Chicago Press.

